

گفتمان کاوی انتقادی در رمان آخرین انار دنیا

هادی عظیمی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.

Email: h.azimi9584@gmail.com

چکیده

گفتمان کاوی انتقادی یک روش مطالعاتی بینارشته‌ای محسوب می‌شود که می‌تواند در نقد رمان‌های ادبی و در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی به کار گرفته شود. نورمن فرکلاف یکی از نظریه‌پردازان شاخص گفتمان کاوی انتقادی است که با ارتقا بخشیدن تحلیل متن از سطح توصیف به سطح تبیین و با دخالت دادن مؤلفه‌های ایدئولوژی، قدرت و تاریخ، متون را تفسیر کرد. رویکرد وی بعدها مورد توجه قرار گرفت و برای آشکار کردن لایه‌های پوشیده در آثار هنری و ادبی به کار گرفته شد. پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی را در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر بازخوانی کند. یافته‌های اولیه پژوهش از دیدگاه گفتمان کاوی انتقادی بیانگر آن است که در سطح توصیف، رمان بختیار علی به صورت غیرخطی به روایت داستان می‌پردازد. تسلسل زمانی رعایت نمی‌شود؛ بلکه گذشته، حال و آینده در هم می‌آمیزد و باعث می‌شود خواننده درک زمان را مشکل آفرین بیابد افزون براین، زبان توصیف متن داستان بختیار علی با شیوه محاوره‌ای حرکت می‌کند. جملات با بیانی ساده و روان در ارتباطی ملموس و واقعی در وجه اخباری روایت می‌شوند. در سطح تبیین و تفسیر نیز باید اشاره کرد که محور اصلی رمان بختیار علی، بیانگر مناسبات سیاسی و اجتماعی در کوردستان عراق است که در تیپ‌های مختلف سرباس صبحگاهی و دیگر شخصیت‌های رمان‌ها نمود پیدا می‌کند. هر کدام از این تیپ‌های رمان بختیار علی بازگویی رنج‌های جمعی و فردی مردم کوردستان عراق است؛ جنگ، خشونت در سطح منطقه، مشکلات هویتی، بحران‌های سیاسی و اقتصادی، تعارض‌های فردی انسان‌ها و مشکلات سنت‌ها و مسایل ملی‌گرایی نمونه‌هایی از این دست هستند که نشان می‌دهد؛ روایت رمان بختیار علی بر اساس پیوندها، گفتمان‌های سیاسی و تاریخ بافت اجتماعی کوردستان عراق بنیان نهاده شده‌است.

کلیدواژه‌ها: بختیار علی، داستان کوردی، آخرین انار دنیا، گفتمان کاوی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

گفتمان در گستره مفهومی خود، به ویژه در بیان غیر فنی، صرفاً به مفهوم صحبت، مکالمه یا گفتگو است که گاه به طور تلویحی بیانگر نوعی هدف آموزشی و تعلیمی نیز است. از این رو، خطابه، موعظه، سمینار، سخنرانی و رساله را می‌توان نوعی گفتمان به معنای عام کلمه به حساب آورد. اما در معنای فنی، علمی و زبان‌شناسانه آن، که برای اولین بار در اواسط دهه ۱۹۶۰ توسط اندیشمند فرانسوی «بن ونیست» به کار گرفته شد، گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به متکلم، وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگر بیان کرد که در مشخص کردن بسترهای بافت موضوعی پاره گفتمان به کار می‌روند. «یول» و «براون»، در تعریف گفتمان کاوی می‌نویسند: «گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است، در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها برای پرداختن به آن‌ها در امور انسانی به وجود آورده‌اند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

از تعاریف یاد شده، استنباط می‌شود صاحب‌نظران این رویکرد در آغاز بر این باور بودند که گفتمان کاوی بیشتر به کارکرد یا ساختار جمله و کشف و توصیف روابط آن می‌پردازد، به عبارت دیگر گفتمان کاوی نزد این عده عبارت بود از شناخت رابطه جمله‌ها با یکدیگر و نگریستن به کل آن چیزی که نتیجه این روابط است. اما در ادامه این رویکرد تغییر پیدا کرد و نظریه‌پردازان جدید، برخلاف تحلیل‌های سنتی زبان‌شناسانه که صرفاً با عناصر نحوی و لغوی تشکیل دهنده جمله به عنوان عمده‌ترین مبنای تشریح معنی؛ یعنی زمینه متن، سر و کار داشتند، عمل کردند و در گفتمان کاوی، فراتر از آنها به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ارتباطی باور داشتند. زلیک هرپس اصطلاح گفتمان کاوی را در معنای وسیعی به کار گرفت و تلاش کرد که برداشت ابتدایی خود را از این اصطلاح، کامل‌تر و جامع‌تر نماید. او در ادامه، بحث درباره گفتمان را از دو بعد، سامان داد: «اول بسط رویه‌ها و روش‌های معمول در زبان‌شناسی توصیفی و کاربرد آنها در سطح فراجمله (متن) و دوم رابطه بین اطلاعات زبانی و غیر زبانی مانند رابطه زبان و فرهنگ و محیط و اجتماع. در بعد اول، صرفاً اطلاعات زبانی مد نظر است، ولی در بعد دوم اطلاعات غیر زبانی مثل فرهنگ و محیط و اجتماع که خارج از حیطه زبان‌شناسی است مد نظر قرار می‌گیرد» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۹).

رمان‌ها و داستان‌ها به عنوان بخشی از ادبیات، قابلیت آن را دارند که از منظر رویکردهای جامعه‌شناسی بررسی شوند؛ بنابراین در تحلیل و بررسی آثار هنری و ادبی لازم و ضروریست که قبل از هر چیز به ارتباط نویسنده، شاعر یا هنرمند با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند پرداخته شود؛ بدین معنا که علاوه بر پرداختن به جنبه‌های متعدد ادبی شاعر، نویسنده یا هنرمند، توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه آنها نیز باید مدنظر قرار گیرد و به روابط میان جامعه آنها و موقعیتشان در جامعه نیز توجه خاصی بشود. در همین ارتباط توجه به محیط زندگی شاعر، نویسنده یا هنرمند و طبقه و گروه اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌هایی که آنها در ارتباط و پیوند با آن به خلق آثار می‌پردازند، الزامی است.

بختیار علی از نویسندگان شاخص معاصر کورد است که از وی آثار فراوانی منتشر شده است از جمله: مرگ دردانه دوم، غروب پروانه، آخرین انار دنیا، شهر موسیقیدان‌ها یا نوازندگان سپید، غزل نویس و خیال‌باغ‌ها، قصر پرندگان غمگین و بختیار علی در آثار داستانی خویش همواره به دنبال طرح پرسش‌های هستی‌شناسانه و جامعه‌شناختی، کشف تصاویر غریب و ناب با فرمی بدیع، متفاوت، عمیق و همچنین مضامین جدی و جهان‌شمول و دغدغه‌های اصلی انسان مدرن است. وی به واسطه ترجمه داستان‌هایش به زبان‌های مختلف، شهرت جهانی پیدا کرده‌است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آثار داستانی این نویسنده، ارتباط جدایی‌ناپذیری با قدرت، ایدئولوژی و مسائل سیاسی و اجتماعی دارد. بنابراین با توجه به اولویت نظریه‌گفتمان‌کاوی انتقادی، مبنی بر پیوند زبان با قدرت، ایدئولوژی و گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی-اجتماعی، می‌توان داستان‌های بختیار علی را از این منظر، بررسی کرد تا جوهر اجتماعی آثار وی واکاوی شود. افزون بر این، پژوهشگران انتقادی گفتمان از روش‌های مختلفی برای تحلیل متون ادبی بهره می‌برند که نظریه «دیدگاه روایی» کاربرد قابل توجهی دارد. در این دیدگاه، تحلیلگر تحلیل خود را به آن سوی جملات گسترش می‌دهد و به شرح فرایندهای ارتباطی متون می‌پردازد؛ یعنی سطوح بالاتر و انتزاعی‌تر روابط قدرت، ایدئولوژی و بافت تاریخی و اجتماعی. دیدگاه روایی یا زمانی-مکانی دارای چهار سطح است: سطح عبارت‌شناختی، سطح مکانی-زمانی، سطح ایدئولوژیکی و سطح روان‌شناختی (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۵). پژوهش حاضر نیز با تکیه بر این رویکرد و با روش توصیفی-تحلیلی رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی را از منظر گفتمان انتقادی بررسی و تحلیل می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

بر اساس جستجوهای به عمل آمده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی و گفتمان‌کاوی انتقادی آثار داستانی بختیار علی نپرداخته است، اما پژوهش‌هایی در ارتباط با موضوع این نوشتار انجام شده است که برخی از آنها عبارتند از: شوهانی و حسینی (۱۳۹۸) در مقاله «گفتمان‌کاوی انتقادی بازنمایی جنسیت در رمان غروب پروانه از بختیار علی» به این نتیجه رسیده‌اند که سازوکارهای یک جامعه مردسالار با تولید یک گفتمان ضد زن و با استفاده از تکرار و طبیعی جلوه دادن گزاره‌ها و بنیان‌های فکری زن‌ستیز در زندگی روزمره، علاوه بر مردان، بخشی از زنان را نیز به مروجان و منادیان این فرهنگ تبدیل کرده است. عبداللهیان و عبدی (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی: خوانشی ساخت‌گرایانه از منظر لوسین گلمن» به این نتیجه رسیده‌اند که در این رمان با سه دوره از تاریخ سیاسی-اجتماعی کوردستان روبه‌رو هستیم. ادبیات خلق شده از نظر جان و صورت توأمان شده با شخصیت‌هایی که هر کدام نماینده دوره‌ای خاص از تاریخ سیاسی-اجتماعی کوردستان هستند. کوردستان قبل از انتفاضه و بعد از انتفاضه که در آن جنگ داخلی روی می‌دهد و عارضه‌ها و پیامدهای سیاسی و اجتماعی بعد از شکل‌گیری ایده‌های سیاسی کردها، طایفی و رحیمی (۱۳۹۵) در پژوهش «نقد مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی» بر این باور هستند که مؤلفه‌های رئالیسم جادویی از قبیل وهم و خیال، همزیستی مسالمت‌آمیز واقعیت و جادو، قلیت و آنیت، اسطوره‌گرایی و پرداختن به مسائل مهم در این رمان وجود دارد.

۳. معرفی مختصر آخرین انار دنیا

عنوان فارسی رمان	آخرین انار دنیا
عنوان کوردی رمان	دواحه مین هه ناری دونیا
سال چاپ	۲۰۰۰
مترجم	مریوان حلبچه‌ای
ناشر	ثالث
زاویه دید	اول شخص مفرد (مظفر صبحگاهی)
محیط	کوردستان عراق
شخصیت‌ها	مظفر صبحگاهی، یعقوب صنوبر، سرباس‌های صبحگاهی، خواهران سپید، محمد دل شیشه‌ای، ندیم شاهزاده، پدر ندیم شاهزاده، اسماعیل شمس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۳-۱. توصیف

نکته دیگر، شیوه روایت رمان است، در رمان آخرین انار دنیا زمان به صورت خطی و یکنواخت پیش نمی‌رود و تسلسل زمانی رعایت نمی‌شود؛ بلکه گذشته، حال و آینده در هم می‌آمیزند و باعث می‌شود خواننده درک زمان را مشکل آفرین بیابد. در این رمان، سرگذشت مظفر صبحگاهی از گذشته دور آغاز می‌شود و بعد از ترکیب شدن با ماجرا و شخصیت تخیلی ممد دل شیشه‌ای و ذکر برخی از مسایل تاریخی و اجتماعی به زمان حال می‌رسد. دنیایی که بختیار علی در این رمان ترسیم می‌کند، آمیزه‌ایی از جهان خیال و واقعیت است، شخصیت‌هایی چون ممد دل شیشه‌ای در مقایسه با دیگر شخصیت‌ها برجسته می‌شود تا باعث توجه مخاطب به نقش نمادین او (شفاف بودن آدم‌ها) شود و زندگی عادی او و پدیده‌های منطقی و معمول روزمره با ماجرای قلب شیشه‌ای، خانه شیشه‌ای و نحوه عاشق شدن و مردنش که جزء شگفتی‌ها و رخ داده‌های توجیه ناپذیرند، تلیق و ترکیب می‌شوند و جهانی می‌سازند که ترکیبی از واقعیت و رؤیاست.

افزون بر این، زبان توصیف متن داستان آخرین انار دنیا با شیوه محاوره‌ای حرکت می‌کند. جملات با بیانی ساده و روان در ارتباطی ملموس و واقعی در وجه اخباری روایت می‌شوند. جمله‌های داستان از نوع معلوم است؛ زیرا روند داستان بر اساس گفت و گو در جریان است و گفت و گوی مستقیم در میان شخصیت‌ها علت العلل طرح داستان است. هرکس گفتار خاص خود را با توجه به تیپ شخصیتی و گفتمان اجتماعی و سیاسی خویش داراست و گوینده آنچه در ورای اندیشه‌اش می‌گذرد، آشکارا بر زبان می‌آورد. متن زیر بیانگر این رویکرد است و با توجه به تیپ شخصیتی خواهران سپید (لاولای و شادری) که نمادی از پاکی و باکرگی هستند، آنچه که در اندیشه‌شان وجود دارد، بیان می‌کنند:

۳-۲. تفسیر

در این سطح از گفتمان، مؤلفه‌هایی که در سطح توصیف بیان شد، دال‌ها و نشانه‌هایی هستند که دانش زمینه‌ای ذهن و اندیشه مفسر را پویا می‌کند. در سطح تفسیر، «زمینه مشترک بافت بینامتنی دخیل در شکل‌گیری متن و عنصر مشترک آن با گفتمان جاری در رمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و با بازگشت به گذشته و پیش زمینه‌ای که در بن مایه‌های متن - در بخش توصیف اثر به آن‌ها اشاره شد - بررسی می‌شود و تحلیل در سطح تفسیر صورت می‌گیرد» (حدادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). در این سطح از گفتمان، سؤال‌هایی که قابل طرح است این است که جریان چیست؟ چه افرادی در رویدادهای داستان نقش دارند؟ چه پیوندی میان کاراکترهای داستان وجود دارد؟ چه گفتمان‌هایی در رمان وجود دارند؟

بختیار علی از همان ابتدای داستان کوشش می‌کند به خواننده نشان دهد که در این متن ما با تقابلی در ساحت هستی روبه‌رو است. بین رنج و خوشی، مرگ و زندگی، جنگ و صلح، ویرانی و آبادی، آزادی و اسارت، آرامش و اضطراب، فقر و ثروت، ظالم و مظلوم، سفید و سیاه و... نوع واژگانی که در متن داستان آخرین انار دنیا دیده می‌شوند؛ تداعی کننده این تقابل‌ها هستند. کاربرد پربسامد واژگانی همچون زندان، جنگ، مأمور، بعثی، هواپیما، بمباران شیمیایی، تفنگ، جنازه، آتش، کشتار، بیمارستان، خیانت، گلوله و... از جمله کلماتی هستند که مدام در داستان تکرار می‌شوند و این تقابل‌ها و دوگانگی‌هایی که در ساحت هستی وجود دارند، به تصویر می‌کشد:

«به من لقب زره پوش را داده بودند. روزهای صلح، روزهای تلخ و کسالت‌بار زندگی‌ام بود. توی صلح، اندوهی عمیق به سراغم می‌آمد؛ چرا که هیچ کاری نداشتم که انجام دهم. فقط تفنگم را پاک می‌کردم و می‌خوابیدم. یک روز با خودم عهد کردم تا زمانی که توی دنیا جنگ است، پوتین و لباس و فانوسقه‌ام را در نیاورم» (همان: ۲۲۱).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

واژگانی که در این برش کوتاه از داستان آخرین انار دنیا شخص شده است، نمونه‌هایی از پربسامدترین واژگان در متن داستان هستند نشان از تشویش و اضطرابی پایدار در متن داستان است. در متن زیر نیز این رویکرد واژگانی وجود دارد:
مثل دیوانه‌ها دنبالشان کردیم، هیچ وقت چنین وحشی بازی‌ای را ندیده بودم. همه‌شان را با گلوله و چاقو کشتیم. آن برادرانمان را در حالی می‌کشتیم که به زبان خودمان فریاد می‌زدند:
- ما را نکشید!

ولی ما قمه‌هامان را در قلب‌شان فرومی‌کردیم. سرشان را می‌بریدیم و با گلوله به خاک و خون می‌کشیدیم‌شان. یکی از اسیرها را گرفتم، پیش از آن که سرش را ببرم رو به برادرش فریاد زد.
- شهاب فرار کن... نایست... برو پیش مامان... برو!
جمله‌اش تمام نشده بود که تیزی خنجرم حنجره‌اش را از هم پاره کرد. آن شب را هرگز از یاد نمی‌برم. از ریشم آب می‌چکید و دلم آتش بود، فریاد می‌زدم:
- نگذارید فرار کنند!" (علی، ۱۳۹۱: ۲۲۸).

این واژگان که گاهی در تقابل با همدیگر نیز قرار می‌گیرند، بیانگر تکنیک هم‌نشینی و هم‌آیی واژگان در طرح ایدئولوژیک داستان است و تا حدود فروانی نمایانگر و دال بر این است که بختیار علی در متن داستان، جامعه بحران‌زده، گرفتار خشونت و جنگ داخلی را توصیف می‌کند. خواننده این داستان درمی‌یابد با قصه‌ای روبروست که تضاد و تقابل عناصر آن همانند زنجیری به همدیگر متصل هستند و تنها با فهم این تقابل و دوگانگی است که می‌توان به شاخصه‌های گفتمان آن پی برد. در گفتمان جنگ داخلی و فقر کاریست واژگانی همچون: قتل، خنجر، تفنگ، اسیر، خون، قمه، فرار، چاقو، پوتین و... مبنای حرکت قرار می‌گیرند و در گفتمان آرامش و عدالت‌خواهی نیز کاربرد واژگانی همچون: آزادی، صلح، پاک، موسیقی، عشق، شفافیت و... مدنظر نویسنده قرار می‌گیرد. افزون بر این، انتخاب شخصیت‌ها و کارکرد استعاری و نمادین آنها بخش دیگری از داستان آخرین انار دنیا است. شخصیت‌های داستان هر کدام نماد و رمزی خاص هستند که بختیار علی آنها را متناسب با پیام داستان به قصه وارد می‌کند. مظفر صبحگاهی نماد یک مبارز صاف و ساده کورد است، یعقوب صنوبر نمادی از یک شخصیت سیاسی منفعت طلب، سرباس‌ها نمادی از کوردستان گرفتار فقر، جنگ داخلی و افراطی‌گری مذهبی است، ممد دل شیشه‌ای نمادی از آدمی شفاف و بلورین باشد که در دنیای پر از سنگ رمان، وجود خانه‌ای شیشه‌ای و شخصی بلورین به جایی نمی‌رسد، خواهران سپید یا همان «لاولی و شادری» با پوشیدن لباس سفید نمادی از تلاش برای دور بودن از چرک‌های جهان رمان هستند که تلاش می‌کردند بکارت و پاک‌ی خود را حفظ کنند، گروه کامکارها هم نمادی از جریان صلح‌طلبی بودند. متن زیر بیانگر شخصیت نمادین ممد دل شیشه‌ای است:

«قلب من از شیشه‌ای بسیار نازک است. کوچک‌ترین تلنگری آن را می‌شکند و مرا خواهد کشت. جنس من از شیشه است که اگر شکسته شود، هزار تکه خواهد شد و ریزه‌های آن همه جا پخش می‌شود. چنان‌چه خرد شوم، آن تکه‌های خرد و ریز، زندگی‌ام را نابود می‌کنند... دل من را نشکنید» (علی، ۱۳۹۱: ۲۷)

متن زیر نیز تصویر نمادین از «استیره ره‌ش» یا همان «سرباس سوم» به تصویر می‌کشد که بیانگر کوردستان گرفتار جنگ و خون‌ریزی داخلی است:

«پسر بچه‌ای با لباس نیمه‌عربان با سراپایی یکپارچه سوخته و ترسناک قدم می‌زد. چشمان آبی رنگش در چهره‌ای سوخته نشسته بود. نه ابرو داشت و نه مژه، انگار شب‌چی بود که از خوابی طولانی پریده باشد. گفت: او را در قسمت جزغاله‌ها نگاه می‌دارند. جای که

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کودکان سوخته‌ای مثل شمعی آب شده‌اند، در آجا هستند. بچه‌هایی که روی تخت‌هایشان مثل پلاستیک گرما زده‌ای وارفته بودند. مثل پلاستیکی که پس از آب شدن، قالب قبلی خود را از دست داده‌باشد.» (همان، ۲۵۸)

زمان‌ها، مکان‌ها و فضاهایی که رویدادهای داستان در آن اتفاق می‌افتد نیز به نوعی استعاره و نمادین هستند. به عنوان مثال، زمان بیست و یک سالی که مظفر صبحگاهی بهترین سال‌های زندگی خود را در زندانی در بیابان رمل عراق، به دور از آدمیان گذرانده است. نمادی از بیست و یک سال زمان حکومت دیکتاتور عراق صدام حسین است. و یا اینکه در آغاز، وی از روی عرشه کشتی که بر روی دریا سرگردان است، داستان زندگی خود را برای مخاطب تعریف می‌کند؛ نمادی از سرگشتگی و سرگردانی زندگی بعد از آزادی راوی نشان دهنده تکنیک هم‌نشینی و هم‌آبی واژگان است و دال بر این است که نویسنده در متن داستان، جامعه بحران زده و ناآرام و بدون امنیت را توصیف می‌کند:

«دوستان عزیز... ای کسانی که بدون خستگی به داستان من گوش می‌دهید... حالا درک می‌کنید که در پی چه هستم و پیرمردی مثل من روی این کشتی به دنبال چه چیزی می‌گردد. دوستان، آن میثاق پای آن درخت انار مرا به این کشتی کشانده. توی این کشتی هستم تا نشانی از آخرین سرباس پیدا کنم و شاخه‌ای از آن درخت را به نشانه آن میثاق به همراه خود دارم. شما هم اگر گذارتان به آن درخت افتاد، میثاق تازه‌ای ببندید» (علی، ۱۳۹۱: ۲۷۴).

۳-۳. تبیین

مسأله‌ای که در سطح تبیین مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که تأثیر ساختارها بر گفتمان‌ها چگونه است؟ در حقیقت، مشخص کردن روابط قدرتی که در سطح‌های مختلف اجتماعی در شکل‌دهی و شکل‌گیری گفتمان‌های رمان آخرین انار دنیا مؤثر بوده‌اند و یا در راستای دگرپرسی کردن آن حرکت کرده‌اند، مسأله‌ای است که در سطح تبیین مطرح می‌گردند.

آخرین انار دنیا، رمانی است که یک رویداد و جریان تاریخی-سیاسی را روایت می‌کند. روایت داستانی بر اساس پیوندها و گفتمان‌های سیاسی و تاریخ بافت اجتماعی کوردستان عراق بنیان نهاده شده است. زندگی مردمان کوردستان عراق در سده اخیر دست‌خوش ماجراها و رویدادهای فراوانی بوده است و به نوعی می‌توان گفت هیچ کس در این سرزمین را نمی‌توان جدا از حوادث و اتفاقات سیاسی و تاریخی آن تعریف کرد. این رویکرد در داستان آخرین انار دنیا به خوبی مشاهده می‌شود و هیچ کدام از شخصیت‌های داستانی آن نتوانسته‌اند خود را از گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی که در اطرافشان در حال گذر است، برکنار نگاه دارند و هر کدام از کاراکترهای داستانی به فراخور اوضاع و شرایطی که در رمان برایشان تعریف شده است با گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی داستان پیوند پیدا می‌کنند. به عنوان مثال؛ شخصیت نمادین هر سه سرباس داستان، تحت تأثیر گفتمان‌های سیاسی، تاریخی و اجتماعی کوردستان قرار می‌گیرند و هنگامی که هر کدام توصیف می‌شوند، این گفتمان‌های حاکم بر کوردستان عراق را به تصویر می‌کشند بختیار علی با تکثیر سرباس‌های صبحگاهی به سه تن، به خوبی از عهده این کار برآمده است؛ سرباس در آن واحد هم می‌تواند کودکِ بینوای رها شده باشد که در بی‌کسی و فقر، تنها به مدد ویژگی‌های شخصیتی‌اش محبوبیتی میان دست فروش‌ها و باربرهای بازار یافته است. و هم می‌تواند یک ماشین جنگی باشد و شرایط جامعه او را به سویی سوق بدهد که کشتن فلسفه زندگی‌اش بشود و هم می‌تواند یک انسان، یک کودک جزغاله شده در آتش بمباران شیمیایی باشد و به یک مرده متحرک شباهت پیدا کند. بختیار علی با برجسته کردن ویژگی‌های شخصیتی سرباس‌ها بر آن است که گفتمان‌های رایج را در این منطقه جغرافیایی نمایان کند:

به هر حال، داستان آخرین انار دنیا انسان‌هایی هستند که در بطن این حوادث زندگی می‌کنند و تجربه زیسته آنان به صورت مستقیم، متأثر از این رویدادهاست. «اثرات میان گفتمانیت در داستان‌هایی از این دست شاید به آسانی قابل پیگیری باشد. اما در اینجا ذکر دو

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مسئله مهم است. از طرفی خلاقیت گفتمانی اساس میان گفتمانی است» (یورگنسن، ۱۳۸۹: ۱۲۸). میان گفتمانی گونه ای از میان متنی است و میان متنی در واقع به نفوذ تاریخ بر یک متن و نفوذ متن بر یک تاریخ اشاره دارد (همان، ۱۳۹۰). بنابراین، همانگونه که در رمان آخرین انار دنیا نیز مشاهده می‌کنیم، نویسنده قادر نیست رویگردانی بکند از واژه‌ها و اصطلاحاتی که دیگران درباره آن رویدادهای تاریخی و سیاسی به کار برده‌اند، در این میان، ابتکار و نوآوری بختیار علی موجب می‌گردد که با ترکیب گفتمان‌های متعدد به گفتمانی جدید دست پیدا بکند. رمان آخرین انار دنیا تجربه زیسته بختیار علی در کوردستان گرفتار جنگ‌های داخلی است، جنگ میان احزاب کوردی (برادرکُشی) از یک طرف، نبرد با حکومت دیکتاتور بعث از طرف دیگر و همچنین رواج افراطی گری مذهبی و خشونت‌های فرقه‌ای در این میان، گفتمان جنگ را به وجود آورده بودند و در کنار آن نیز فقر و ناداری مردم کوردستان گفتمان دیگری را رقم زده بود، در کنار هم قرار گرفتن گفتمان جنگ و گفتمان فقر که از خشن‌ترین پدیده‌های انسانی هستند که عواقب آن را تا امروز هم می‌توان احساس کرد.

اما شگرد بختیار علی به اینجا ختم نمی‌شود، او در لابلای خشونت‌های ناشی از جنگ و فقر، تلاش می‌کند که گفتمان جدیدتری بیافریند، گفتمانی که با خلق آخرین انار دنیا، آفرینش محمد دل شیشه‌ای، وجود خواهران سپید و حضور لحظه‌ای گروه موسیقی کامکارها نمود پیدا می‌کند و آن گفتمان صلح، دوستی و عشق است. کاراکترهای رمان آخرین انار دنیا (مظفر صبحگاهی، یعقوب صنوبر، سرباس‌های صبحگاهی، محمد دل شیشه‌ای، خواهران سپید، استیره رهش و...) هر کدام به نوعی بازتاب این گفتمان جدید بختیار علی هستند؛ محمد دل شیشه‌ای در تقابل با پدر صاحب قدرتش و در جهان پر از ناملایمت‌ها دنیای شفاف‌تری را برای آدم‌ها می‌خواهد. یعقوب صنوبر رویای پاک بودن از دنیای پرمکر و فریب سیاست و دور بودن از دروغ‌های حزبی، آن را در وجود مظفر صبحگاهی جستجو می‌کند. سرباس‌ها هم هر کدام به نحوی جهان بدون جنگ و خونریزی و بازگشت انسان‌ها به درون پاک خود را فریاد می‌زنند. خواهران سپید برای دور بودن از پلیدی‌های دنیا و آلوده نشدن به آن، تصمیم می‌گیرند زایشی نداشته باشند و گروه موسیقی کامکارها نیز در میان جنگ و خونریزی منادی صلح و دوستی هستند.

رمان آخرین انار دنیا در حقیقت رمانی ضد جنگ است. بختیار علی با آفرینش شخصیت‌های نمادین (هر کدام نمادی از واقعیت‌های موجود در جامعه کوردستان عراق هستند) تلاش می‌کند، تبلیغات جنگ را ترسیم بکند، طبیعتاً فضای جنگ، همیشه فضای جوانمردی، ایثار و فداکاری نیست، بلکه فضای اضطراب، ترس، دلهره، ناخشنودی، مرگ، ناامیدی و دلمردگی است. در برابر گفتمان‌های حزبی، که همواره از طریق کانال‌های رادیویی و تلویزیونی ارائه می‌شود، انسان‌های را مشاهده می‌کنیم که در بدترین حالت ممکن، جنگ را تجربه می‌کنند؛ در رمان آخرین انار دنیای بختیار علی، خشونت‌های سیاسی، دیکتاتوری و به تبع این دو، جنگ، اسارت، کشت و کشتار، وحشت و نگرانی، فقر و ناداری، آوارگی و بی‌خانمان شدن مردم، یتیم شدن کودکان، بیوه شدن زنان، معلولیت و بیماری‌های ناشی از کاربرد سلاح‌های جنگی و... مواردی هستند که بیانگر مشغله‌های ذهنی بختیار علی به عنوان یکی از مردم جهان سوم گرفتار جنگ است. وی این گفتمان‌ها در برابر گفتمان‌های حاکم که به تعریف جنگ می‌پردازند، قرار می‌دهد. پنجره‌ایی که بختیار علی در این رمان به گوشه‌ای از جهان گشوده است، چندان زیبا نیست و مناظر ناخوشایندی برای خواننده ترسیم می‌کند، چرا که هر چه هست تباهی و اتفاقات تلخ است که کوردستان عراق با آن دسته و پنج نرم می‌کند. زمانی که از فضای بیمارستانی که کودکان زخمی و شیمیایی در آن بستری هستند، صحبت می‌کند او صحت یا عدم صحت این فاجعه را تأیید نمی‌کند و با سکوت خود قضاوت را به

این فضا و محیط غمناک که نویسنده رمان آخرین انار دنیا در مورد آن صحبت می‌کند، همیشه مورد تکذیب طرف‌های درگیر جنگ بوده است. بختیار علی هم با سکوت معنادار خود، قضاوت درباره این وقایع را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد. بختیار علی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تلاش می‌کند که از جنگ تقدس زدایی نماید. او در این رمان بر آن است تا شکل‌های گوناگون خشونت جنگ را به نمایش بگذارد، در نزد بختیار علی دیگر از اسطوره سازی و قهرمان پروری در میان جنگجویان-بر خلاف دستگاه‌های حکومتی- خبری نیست. او تنها تماشاگر این ماجرای تراژیک است. در اینجا جنگ از آن قلمروی اخلاقی که توسط گفتمان رسمی تولید می‌شود، فاصله می‌گیرد. بختیار علی در رمان آخرین انار دنیا نشان می‌دهد که میان تعریف و واقعیت جنگ تفاوت بسیاری است. تعریف جنگ از دل همان گفتمان رسمی بیرون می‌آید که گویی سعی در مصادره همه چیز به نفع خویش دارد. حال آنکه واقعیت جنگ آن است که در رمان آخرین انار دنیا بیان شده‌است.

نتیجه

رمان بختیار علی با توجه به رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار گرفت. به نظر می‌رسد گفتمان جنگ که در جهان به طور عام و در جامعه ما به علل شرایط گوناگون سیاسی و جغرافیایی و ... به طور خاص وجود دارد، هیچگاه خاموش نمی‌شود. گفتمان و فضای جامعه ای که جنگ را تجربه کرده و می‌کند همواره مورد تحلیل و کنکاش جامعه شناسان و مردم‌شناسان بوده است. مطالعه فرم‌های ادبی و هنری هم که در این ارتباط آفریده می‌شود، می‌تواند به شناخت بیشتر آن جامعه در شرایط خاصش یاری رساند. از طرف دیگر این امر که در فرهنگ مردم یک جامعه، به دور از تصورات غیر واقع و با توجه به شرایط زمانی چه نوع نگاهی به جنگ دیده می‌شود و چرا و چگونه این پدیده با اثرات مخرب مشهودش همواره در طول تاریخ تکرار می‌شود، می‌تواند موضوعاتی باشند که از خلال یک اثر ادبی، مورد بررسی قرار گیرند.

در تحلیل رمان بختیار علی مشاهده کردیم که چگونه گفتمان خشونت با جنگ، افراطی‌گری و اختلافات حزبی در جامعه کوردستان عراق به یکدیگر پیوند خورده و در زبان و اعمال قربانی‌هایشان هم بازتولید می‌شوند. از طرف دیگر با توجه به نظام ارزش‌هایی که در هر جامعه وجود دارد و در گفتمان رسمی آن جامعه و در هر متنی (ادبی و غیر ادبی) کم و بیش تکرار می‌شود، می‌توان با بررسی رمان بختیار علی که در ژانر رئالیسم اجتماعی و جادویی هم قرار می‌گیرند به درک روشن‌تری از ارزش‌های آن جامعه دست یافت. این رمان‌ها جامعه درگیر در جنگی را نشان می‌دهد که بعضی از عناصر ارزشی‌اش بنا به اضطرار در گفتمان‌های رسمی و غیر رسمی جای می‌گیرد و بر جسته سازی می‌شود. گفتمان میهن پرستی، حزب‌گرایی، افراطی‌گری مذهبی، دیکتاتوری صدام حسین، انتقام و خشونت از جمله آنها هستند.

بختیار علی در این رمان، هویت و سرزمین خود را مد نظر قرار داده و به المان‌های زیستی منطقه کوردستان عراق که گویی در احاطه تغییر و تحول هستند و یا اینکه به ناچار به او دیکته می‌شوند، می‌پردازد. می‌توان از لحاظ مفهومی چنین استنباط کرد که بختیار علی احساس می‌کند در محیطی در حال پرورش است که ساختارهای تلقینی و اجباری باعث بوجود آمدن پارادوکس‌هایی در زیستن انسان‌ها می‌شود، تضاد آفرینی مابین جفت‌واژه‌های جنگ و صلح / کینه و عشق / زندگی و مرگ و ... به مخاطب گوشزد می‌کند که محیط کوردستان، پیش‌فرض‌هایش (سرزمین و هویت) را دارد عوض می‌کند و این پیش‌فرض‌ها زاینده‌خاستگاه‌هایی با کارکرد متضاد هستند. به عنوان مثال اگر صلح، آرامش و زندگی انسان‌های سرزمین کوردستان عراق به دلایل مختلفی همچون مطامع احزاب سیاسی کورد و سهم‌خواهی هر کدام از آنان از قدرت، مورد هجوم و تغییر قرار گیرد به مرور زمان ساکنان آن سرزمین دچار جنگ داخلی، قبیله‌گرایی، بیهودگی هویتی و اختلال فرهنگی می‌شوند.

افزون بر این، ساختارهای حاکم بر کوردستان عراق نیز در شکل‌گیری گفتمان‌ها تأثیرگذاری فراوانی داشته‌است. دیکتاتوری صدام حسین و کشتار سال‌های دهه شصت و هفتاد (انفال و سرکوب کمونیست‌ها)، جنگ‌های داخلی کوردستان عراق میان دو حزب عمده آن، جنگ تحمیلی میان ایران و عراق، رشد فزاینده جریان‌های افراطی دینی و دموکراسی نصف و نیمه شکننده در کوردستان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی
The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

عراق که بعد از ایجاد منطقه پرواز ممنوع آمریکا ایجاد شد، موجب به وجود آمدن گفتمان‌های متعددی در این منطقه شد که بختیار علی در قالب نمودهای مختلف سرباس صبحگاهی و دیگر شخصیت‌های رمان مطرح کرده‌است. افزون بر این باید اشاره کرد که ساختار غیر خطی رمان‌ها، نبود نظم زمانی، حضور نویسنده در داستان، دیدار و گفت‌وگوی شخصیت‌ها با نویسنده، عدم قطعیت، بی‌ثباتی و چندپارگی شخصیت‌ها، چندصدایی و چندروایتی‌بودن، ساختار چندپاره و ترکیبی، شروع نامرسوم و مدور بودن از جمله این ویژگی‌های رمان‌های بختیار علی به شمار می‌روند.

منابع

- آقاگل زاده، فر دوس (۱۳۸۵). گفتمان کاوی انتقادی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- بهرامپور، شعبان علی (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان نورمن فرکلاف، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- حدادی، الهام، داودی مقدم، فریده، گرجی، مصطفی (۱۳۹۱). « کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه بر پایه الگوی گفتمان کاوی فرکلاف»، نقد ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۲۵-۴۹.
- شوهانی، علی‌رضا، حسینی، سارا (۱۳۹۸). «گفتمان کاوی انتقادی بازنمایی جنسیت در رمان غروب پروانه از بختیار علی»، متن پژوهی ادبی (انتشار آن لاین چکیده).
- طایفی، شیرزاد، رحیمی، محسن (۱۳۹۵). «نقد مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان «آخرین انار دنیا» اثر بختیار علی»، پژوهش‌نامه ادبیات کردی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۹)، صص ۱۰۲-۸۱.
- عبداللهیان، سمیه، عبدی، هیوا (۱۳۹۹). «تحلیل رمان آخرین انار دنیا اثر بختیار علی: خوانشی ساخت گرایانه از منظر لوسین گلدمن»، پژوهش‌نامه ادبیات کردی، دوره ۶، شماره ۱ (پیاپی ۹)، صص ۱-۲۳.
- علی، بختیار (۱۳۹۲). آخرین انار دنیا، ترجمه آرش سنجابی، تهران: افراز.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۹۱). نظریه و روش در گفتمان کاوی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.